



لواشک، ترنس و قله‌ی علم و دانستن!

مطمئن نیستیم وقتی این یادداشت را می‌خوانید، مدرسه‌ها حضوری شده باشد؛ اما مطمئنم از همه‌ی رادیوها و تلویزیون‌ها و تلفن‌های همراه روزی چند بار سرود «باز آمد بوی ماه مدرسه» پخش می‌شود و همه‌ی پدرها و مادرها، معلم‌ها و حتی مجری‌های تلویزیون با شور و هیجان درباره‌ی قله‌های علم و دانش و این که شما هر طور شده باید بروید و آنجا را فتح کنید حرف می‌زنند. اجازه بدهید که من یواش، خیلی یواش در گوشتان بگویم همین‌طور که برای فتح قله‌های علم و دانش راه افتاده‌اید. برای بین راهتان کمی بازی، شعر خوب، چند تایی گرگم به هوا و وسطی، تعداد زیادی قصه‌های عجیب و غریب، واقعی، خنده‌دار و گریه‌دار، چند جفت گوش شنوا برای شنیدن حرف دوست‌ها، لواشک و آب‌نبات و البته هر چه می‌توانید خنده بردارید. دوست و رفیق و گروه داشته باشید که وسط راه خیلی جاها لازم می‌شود.

این چند وقت که توی خانه درس خواندید، به همه ثابت کرد که می‌شود آدم تنهایی درس بخواند و تنهایی قله‌های علم و دانش را فتح کند، اما یک چیز دیگر را هم ثابت کرد: این که بدون توپ‌بازی و شعر و خنده و لواشک، آب‌نبات، مخصوصاً بدون چند تا دوست واقعی، آنجا؛ یعنی نوک قله‌های علم و دانش، جای خسته‌کننده و بی‌مزه‌ای است!

مرجان فولادوند



تصویر گرنس‌ترن‌عنبری